

احکام اسلامی



..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تُحَرِّمُوا
 چیزهای پاکیزه را که خدا حلال کرده
 و از حد مگذرید
 وَ لَا تَعْتَدُوا
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
 وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
 حَلَالًا طَيِّبًا
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ
 الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

مائده، ۸۷ و ۸۸

..... مَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ
 آنچه را پیامبر به شما داد بگیرید
 و از آنچه شما را باز داشت، دوری کنید
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ
 إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

حشر، ۷

اجتهاد و تقلید

دین اسلام برنامه زندگی انسان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است و کسانی که از این برنامه پیروی کنند، هم در زندگی شخصی به سعادت می‌رسند و هم در زندگی خانوادگی و هم اجتماعی سعادت‌مند را پدید می‌آورند. این سعادت هم شامل حیات طیبه دنیا می‌شود و هم شادکامی جاوید آخرت را در پی دارد.

همان‌طور که در سال‌های قبل گفته شد، این برنامه شامل چهار بخش یا چهار زیر مجموعه است:

- ۱- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خدا؛ مانند نماز.
 - ۲- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خود؛ مانند نظافت و ورزش.
 - ۳- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با جامعه؛ مانند انفاق و امر به معروف و نهی از منکر.
 - ۴- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با طبیعت و نظام خلقت؛ مانند حفظ محیط زیست.
- این برنامه‌ها که همان احکام اسلامی هستند باید از منبع اصیل اسلامی، یعنی کتاب خدا و سنت و سیره پیامبر اعظم (ص) به دست آیند. از این رو، نیازمند اجتهاد و تحقیق علمی فراوان در کتاب و سنت و آشنایی عمیق با بسیاری از علوم، مانند تفسیر، لغت و اصول می‌باشد.
- «اجتهاد» در لغت به معنای جدیت و تلاش است، اما در اصطلاح شرعی عبارت است از تلاش برای به دست آوردن و استنباط احکام از روی ادله، مانند قرآن و سنت، و کسی که دارای چنین توانایی است، «مجتهد» نامیده می‌شود.

علما و دانشمندان اسلام گفته‌اند: شخص مجتهد باید بر پنج موضوع آگاهی داشته باشد:

- ۱- علم به کتاب الله (قرآن)؛
 - ۲- علم به احادیث و سنت نبوی (ص)؛
 - ۳- آگاهی بر اقوال علمای گذشته اعم از اجماع (توافق) علما و اختلاف نظرشان؛
 - ۴- آگاهی بر علم لغت؛
 - ۵- آگاهی بر قیاس و شرایط آن.
- کسانی که خود متخصص در این علوم نیستند و توانایی اجتهاد ندارند، برای به دست آوردن احکام دینی خود به این مجتهدان مراجعه می‌کنند. این کار را «تقلید» می‌گویند و چنین شخصی را «مقلد» می‌نامند.

باید دانست که تقلید در اصول دین، یعنی توحید و نبوت و معاد، جایز نیست هر کس باید با فکر

و نظر خود یکتایی خداوند را بپذیرد و به نبوت اعتقاد داشته باشد و بداند که خداوند در آخرت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند و پاداش و جزا می‌دهد.

اما تقلید در احکام فروع دین، جایز است؛ زیرا هر کسی توانایی این را ندارد که بخش مهمی از زندگی خود را صرف تحقیق و تعلیم کند و به درجهٔ اجتهاد برسد تا بتواند احکام دینی را به دست آورد. روشن است که این تقلید، با تقلید کورکورانه و بدون مبنای عقلانی، فرق دارد. اسلام، هر نوع عقیده و برنامه‌ای را که بدون دلیل و برهان و تنها بر اساس تقلید کورکورانه پایه‌ریزی شده باشد، مردود می‌شمارد. قرآن کریم در آیات متعددی همگان را دعوت به تفکر و تعقل و تدبیر می‌نماید و از تقلید ناآگاهانه منع می‌کند؛ از جمله این که می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

از آن چیزی که علم نداری دنباله‌روی مکن
.....
.....

اسراء، ۳۶

پیروی و تبعیت شخص غیر مجتهد از یک مجتهد و متخصص در احکام دینی یک روش عقلانی است، همان‌طور که مراجعهٔ یک بیمار که خود در طبابت تخصصی ندارد، به یک پزشک کاری عقلانی محسوب می‌شود.

منابع اجتهاد

فقیهان و مجتهدان در مسیر تفقه و اجتهاد خود و برای به‌دست آوردن احکام الهی از چهار منبع استفاده می‌کنند:

الف) قرآن کریم: کتاب آسمانی ما منبع اصلی دریافت احکام اسلامی است. فقیهان، با مطالعه و تفکر در قرآن کریم، احکام و قوانین و مقررات اسلامی را به‌صورت کلی یا جزئی به‌دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که مخالف با قرآن کریم باشد.

ب) سنت پیامبر اکرم (ص): سنت پیامبر عبارت است از قول و فعل آن حضرت. سخنانی که از آن حضرت در کتاب‌های روایی نقل شده و یا افعال و کارهایی که ایشان انجام داده است، دومین منبع

اجتهاد است. البته از آنجا که ممکن است در نقل قول و فعل پیامبر (ص) اشتباهات یا غرض‌ورزی‌هایی صورت گرفته باشد، فقیهان تلاش می‌کنند احادیث موثق را از غیر موثق جدا کنند و به احادیث موثق و قابل اعتماد مراجعه کنند.

ج) اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی یا فعلی و یا تقریری مجتهدان پیرامون مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) اشاره نشده باشد. مجتهدان همان کسانی هستند که قادر به استنباط می‌باشند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالِ؛ امت من بر گمراهی اتفاق نظر پیدا نمی‌کنند» این حدیث صریحاً دالّ بر عصمت امت است. رسیدن به اجماع در مسائل مهم کشور اسلامی حائز اهمیت فراوان است. اجماع سبب می‌شود:

۱- تفرقه و دو دستگی در میان امت از بین برود؛

۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی ممکن گردد؛

۳- راه هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت از بین برود.

د) عقل و قیاس: اگر فقیهان نتوانند حکم مسئله‌ای را از قرآن و سنت به‌دست بیاورند، تلاش می‌کنند که با عقل و با استفاده از قیاس که یک روش عقلانی استدلال است، حکم آن مسئله را به‌دست آورند. بدین صورت که این مسئله را با مسئله آمده، مقایسه می‌کنند و حکم آن را به‌دست می‌آورند.

مکلف و احکام تکلیفی

مکلف کسی است که بالغ، عاقل، قادر و مختار باشد. چنین کسی موظف است که تکالیف دینی خود را انجام دهد. بنابراین، کودک، دیوانه و افراد مجبور به اعمال غیرحق و افراد ناتوان از قید تکلیف آزادند. احکام تکلیفی پنج نوع است: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح. واجب: حکمی است که انجام دادن آن لازم است و دارای ثواب می‌باشد و ترک آن عقاب دارد؛ مانند: وجوب نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان.

مستحب: حکمی است که انجام دادن آن حتماً لازم نیست اما کاریست پسندیده و موجب خشنودی خدا و رسول، و دارای اجر و پاداش اخروی است و در ترک آن مجازات و کیفری نیست؛ مانند: روزه عرفه عید قربان و دست‌گیری از فقرا و مستمندان.

حرام: کاری است که باید آن را ترک کرد و انجام دادن آن عقاب دارد؛ مانند: رباخواری،

دزدی، قمار و دروغ.

مکروه: حکمی است که انجام آن عقاب ندارد؛ اما انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند: نماز خواندن در حمام، خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن.

مباح: حکمی است که انجام دادن و ندادن آن مساوی است؛ مانند: ایستادن و نشستن. عبادات که قسم اول آن از فروع دین است خود شامل پنج نوع می‌باشد، که دو نوع از آنها عبادت بدنی خالص است که آن دو عبارت‌اند از: نماز و روزه. و یکی مالی خالص است (زکات) و دو نوع دیگر از آنها هم عبادت بدنی و هم عبادت مالی است که عبارت‌اند از: فریضه حج و جهاد. این پنج نوع عبادت در اصطلاح به نام «خمسۀ ضروریۀ دین» مشهورند.



علاوه بر کارهای ذکر شده، نمونه‌های دیگری از اعمال واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح را نام ببرید.

اصل حلیت

در دین مبین اسلام، اصل و مبنا بر حلال بودن و مباح بودن است و مواردی که حرام‌اند باید دارای دلیلی محکم از قرآن و سنت پیامبر و سایر ادلّه فقهی باشند. علمای اسلام اصل «مباح بودن» را از آیات قرآن کریم استنباط کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

..... هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ

..... مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

بقره، ۲۹

همچنین می‌فرماید:

..... وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

..... وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...

حرام کردن هر عملی فقط از جانب خداست و اگر خداوند کاری را حرام می‌کند، به خاطر ضرر و زبانی است که آن عمل به انسان‌ها می‌رساند، تا انسان‌ها مرتکب آن نشوند و آسیب و زیان روحی یا جسمی نبینند. ممکن است انسان‌ها علت حرام بودن برخی کارها را ندانند و این به سبب دانش ناقص انسان‌هاست. اما خداوند که عالم بر همه اسرار جهان است، می‌داند که چه کاری به نفع ما و چه کاری به زیان ماست. توجه داشته باشیم که حلال به اندازه کافی وجود دارد که ما را از حرام بی‌نیاز کند. حرام، با حيله و دسيسه حلال نمی‌شود و خود آن دسيسه هم حرام است. حسن نیت در یک کاری هم آن را حلال نمی‌کند؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من به خاطر فلان خیر این حرام را مرتکب شدم. بنابراین، در حلال و حرام باید کاملاً تابع خداوند بود. رسول اعظم (ص) می‌فرماید :

خداوند چیزهایی را واجب کرده است	إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ
آنها را ضایع نکنید	فَلَا تُضَيِّعُوهَا
و حد و مرزهایی معین کرده، از آن تجاوز نکنید	وَ حَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا
و برخی چیزها را حرام کرده	وَ حَرَّمَ أَشْيَاءَ
حرمت آن را از بین نبرید	فَلَا تَنْتَهِكُوهَا
و چیزهایی را مسکوت گذاشته	وَ سَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ
از جهت رحمت به شما	رَحْمَةً بِكُمْ
نه از جهت فراموشی	غَيْرَ نَسْيَانٍ
پس درباره آنها بحث و جدل نکنید	فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های آنها را استخراج نمایید.

برخی از امور حرام

یکی از وظایف ما در زندگی، شناخت کارهای حرام است. ما باید در همان سنینی که به تکلیف می‌رسیم، کارهای حرام را شناسایی کنیم و برای دوری از آنها برنامه‌ریزی نماییم. این امر سبب می‌شود که در بزرگسالی نیز به راحتی مرتکب گناه نشویم، برعکس کسی که نسبت به دستورهای خداوند بی‌تفاوت است و به حلال و حرام توجهی ندارد. چنین فردی، هرچه زمان می‌گذرد در باتلاق حرام بیشتر فرو می‌رود به گونه‌ای که درآمدن از آن مشکل‌تر می‌گردد. برخی از امور گناه و حرام به شرح زیر است:

۱- شرک به خداوند متعال، به هر صورت و شکلی باشد، چه شرک در ذات و چه شرک در افعال و چه شرک در عبادت، حرام است و بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌شود.

۲- هرگونه گستاخی و بی‌ادبی نسبت به پدر و مادر، حتی به اندازه گفتن یک «اف» حرام است. خداوند متعال نیکی به والدین را پس از اطاعت و فرمانبرداری از خود واجب کرده و تنها در یک صورت باید از والدین اطاعت نکرد و آن وقتی است که از فرزندان بخواهند مرتکب گناه شوند و به خدا شرک بورزند ولی در هر صورت باید با آنها به نیکی رفتار کرد.

تفکر در آیات

در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان تفکر کنید و وظایف هر مسلمانی نسبت به پدر و مادر را مشخص نمایید.

۳- خداوند در سوره حجرات به ما دستور می‌دهد که شش عمل را انجام ندهیم:

(الف) مسخره کردن؛

(ب) عیب‌جویی کردن؛

(ج) لقب زشت به دیگران دادن؛

(د) سوءظن و بدگمانی نسبت به دیگران؛

(ه) تجسس در احوال دیگران و غیبت کردن.

این محرّمات شش‌گانه سرمنشأ بسیاری از بدی‌های اخلاقی‌اند و جزء زشت‌ترین رذایل اخلاقی

محسوب می‌شوند.

* در حالات و رفتارهای خود تأمل کنیم و خود را ارزیابی نماییم تا ببینیم نسبت به این گناهان در چه موقعیتی قرار داریم. اگر به آنها تمایل نداریم، خدا را سپاس گفته و برای تقویت بیشتر خود در مقابل آنها برنامه‌ریزی کنیم و اگر به برخی از آنها تمایل داریم، برای از بین بردن این تمایل، برنامه‌ریزی و تمرین نماییم.

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

خداوند بنا بر آیه ۴ سوره مائده، هر چیز پاکیزه‌ای را برای انسان حلال شمرده است و به مردم اجازه داده که از آنها بهره ببرند.

در میان خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، هر چیز زیان‌آوری را حرام کرده است، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

(الف) شراب و هر ماده مست‌کننده دیگر؛

(ب) گوشت خوک و سگ؛

(ج) گوشت مردار؛

(د) مواد مخدر از قبیل تریاک، هروئین و ...

مصرف شراب و مواد مخدر موجب زایل شدن عقل و تخریب قوای عقلی و فکری انسان شده و تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جسم و روان دارند. خداوند عقل و فطرت انسان را پاک و سالم آفریده و بهترین موهبت خود به انسان قرار داده است و اگر عقلانیت از انسان سلب شود، با سایر حیوانات تفاوتی ندارد. مصرف مواد الکلی خشونت و التهاب ایجاد می‌کند و شخص، در حالت مستی، ممکن است به هر نوع عمل خشونت‌آمیز و تأسف‌بار دست بزند. مصرف تریاک و مواد مشابه فرد را بی‌غیرت، ترسو، بی‌توجه و لاپروا می‌کند. بدن او را در مقابل بیماری‌ها چنان تضعیف می‌کند که روزبه‌روز به کام مرگ نزدیک‌تر می‌شود. اعتیاد به سیگار نیز به دلیل هدر دادن امکانات مادی و تأثیر مخرب آن بر بدن و مقدمه شدن آن برای مصرف مواد مخدر، حرام است.

قمار و شرط بندی

یکی از کارهای حرامی که به صراحت در قرآن نهی شده، قمار و شرط بندی است. این کار حرام و زیان بخش که جز هدر دادن وقت، تخریب اعصاب و وارد کردن زیان مالی و حیثیتی جبران ناپذیر، خاصیتی ندارد، متأسفانه هم در قدیم و هم امروزه رواج دارد. امروزه در بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای غربی، همان طور که شراب خانه های بزرگ وجود دارد، قمارخانه های بزرگی نیز هست. برخی از افراد از این راه ثروت های بادآورده به دست می آورند و برخی نیز همه زندگی خود را می بازند. این گناه به تدریج روحیه تلاش و بروز استعدادها را خاموش می کند، اراده را ضعیف می نماید و کار و سازندگی را از بین می برد. افرادی که به این کار عادت کرده اند، معمولاً در عالم رؤیا برای خود کاخ های زیبا می سازند و وقت و عمر خود را به انتظار برنده شدن از دست می دهند. در اسلام، فقط شرط بندی برای مسابقات تیراندازی و اسب دوانی و شتردوانی جایز است؛ زیرا این ورزش ها، به خصوص در گذشته توان جسمی و روحی افراد را بالا می برد و آماده دفاع از کشور و دفع خطرها می نمود.



* برخی شکل های قمار و شرط بندی را که در بعضی جاها رواج دارد، معرفی کنید و آثار زیانبار آنها را توضیح دهید.

عادت های حرام

امروزه برخی از عادت ها در میان برخی از افراد، هرچند اندک، مشاهده می شود که با احکام اسلام مخالف و از نظر حکم الهی حرام می باشد. خوب است در اینجا به ذکر برخی از آنها پردازیم:

۱- استفاده از طلا برای مردان: می دانیم که استفاده از طلا و حریر (لباس ابریشمی) برای مردان حرام، ولی برای زنان حلال می باشد. برخی دلایل علمی هم برای این موضوع ذکر شده است. اگر چنین دلایلی هم نبود، حرام شدن آن از جانب خداوند برای مردان، نشانه زیان چنین کاری است. امروزه مشاهده می کنیم که برخی مردان و جوانان از طلا استفاده می کنند و گاهی همین طلا در نماز نیز همراه آنهاست که در این صورت هم نماز آنها باطل است و هم به خاطر استفاده از طلا مرتکب گناه شده اند. اینان به ویژگی های متفاوت مردان و زنان توجه ندارند و به گونه های مختلف خود را مشابه

زنان می‌سازند؛ درحالی که اولاً استفاده از طلا و حریر و سایر جنبه‌های زینتی و آرایشی برای زنان، به خاطر ویژگی خاص آنهاست. ثانیاً همان زنان نیز باید آرایش و زینت خود را در محدوده خانواده و افراد مَحرم حفظ کنند و از استفاده آن در مقابل افراد نامحرم یا در مَلا عام اجتناب کنند. مردانی که به سوی این قبیل آرایش‌ها و زینت‌ها رو می‌آورند و به شکل‌های نامناسبی در جامعه ظاهر می‌شوند، باید به تحلیل عمل خود بپردازند و شخصیت روحی خود را ارزیابی کنند تا متوجه منشأ اشتباه خود شوند.

روشن است که چنین رفتاری نشانه ترقی و پیشرفت نیست؛ زیرا همان کسانی که عامل پیشرفت در دنیای امروز بوده‌اند، از فضانوردان گرفته تا سازندگان اَبَرایانه‌ها تا مخترعین و کاشفان بزرگی چون نیوتن و انیشتین این راه را برای پیشرفت انتخاب نکرده‌اند. آنان به جای توجه به ظاهر و تلاش برای به شکل‌های گوناگون در آوردن خود، با جدیت و تلاش و تحمل رنج و زحمت و بی‌خوابی و دوری از تن‌پروری راه علم و پیشرفت را طی کردند و نام خود را در تاریخ بزرگان خدمت‌کننده به بشریت زنده نگه داشتند.

کسانی از مردان و جوانان که به عادت‌های ناپسندی مانند: استفاده از طلا، آرایش غیرمعمول، پوشیدن لباس‌های نامناسب و تقلید کورکورانه از هرنوع مد می‌پردازند و کار خود را تحت عنوان پیروی از مد توجیه می‌کنند، باید توجه کنند که این قبیل رفتارها به تدریج موجب شکل‌گیری خصلت‌ها و عادت‌های ناپسندی در آنها می‌شود و از طریق آنها به فرزندان‌شان انتقال می‌یابد. متأسفانه برخی از جوانان که دست به چنین کاری می‌زنند، وقتی بزرگسال می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند، انتظار دارند فرزندان‌شان به شیوه‌ای درست زندگی کنند و از این قبیل عادت‌ها دور باشند. اما باید بدانیم که بهترین راه برای هدایت فرزند، الگوی خوب بودن پدر و مادر برای آنهاست.



*** جامعه پیرامون خود را بررسی کنید.** و وجود برخی از عادت‌های ناپسند رایج میان جوانان را مشخص کنید و درباره علت وجود چنین عادت‌هایی گفت‌وگو نمایید.

۲- عکس‌ها و تصویرهای مبتذل: می‌دانیم که نگاه به تصویر اندام فرد نامحرم حرام است، به خصوص که اگر از روی شهوت باشد یا سبب تحریک شهوت شود. باید توجه کنیم که این عمل از نظر روان‌شناسان به تدریج سبب افسردگی روانی شده و شخص را رنجور و حسرت‌زده می‌کند و تمرکز فکر انسان را از بین برده و مانع تفکر سازنده و خلاق او می‌شود.

امروزه ارتباطات امری اجتناب ناپذیر است، به ویژه با پیدایش ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و... که در ایجاد ارتباطات تسریع کرده اند، این رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گسترش علم و فناوری باشند و در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، ورزشی، شهرنشینی، پزشکی و سلامت به انسان‌ها خدمت کنند. اندکی از مردم در نقاط مختلف دنیا هستند که به جای خدمت به انسان‌ها، این ابزار را وسیله تخریب شخصیت جوانان و سستی و بی‌بندوباری آنها ساخته و از این راه دام‌های فریب خود را پهن کرده و ثروت‌های بی‌پایانی به چنگ می‌آورند که در اینجا فرصت ذکر آنها نیست. گروه‌های بی‌بندوبار در هر جامعه‌ای زمینه نفوذ آنها را فراهم می‌کنند. برای پیدایش چنین گروه‌هایی است که برخی از قدرت‌ها از رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره سوءاستفاده کرده و بی‌بندوباری را گسترش می‌دهند. جوانان عاقل و خردمند هرگز وقت و عمر گرانبها و سرشار از انرژی خود را در تماشای چنین صحنه‌هایی به‌هدر نمی‌دهند و از دریافت آن همه اطلاعات با ارزش خود را محروم نمی‌سازند.

توجه کنیم که نگاه به نامحرم، در هر صورت، برای کسب لذت حرام است؛ چرا که شخصیت فرد را متزلزل می‌سازد و غیرت او را زیر سؤال می‌برد. انسان‌های ناموس‌دار و غیرتمند نفس خود را مهار می‌کنند و ناموس دیگران را مورد تعرض قرار نمی‌دهند. ناگفته نماند که خداوند اصل نگاه کردن به نامحرمی که حجاب خود را رعایت کرده، منع نمی‌کند؛ زیرا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و او هرگز تکلیف مالا بطلاق و غیرقابل اجرا نمی‌کند؛ بلکه نگاه از روی شهوت را منع می‌کند و می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

به مردان مؤمن بگو:

يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

و اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

ذَلِكَ أَرْكَانُ لَهُمْ

این برای آنان پاکیزه‌تر است

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

و خداوند به کارهایی که می‌کنند آگاه است

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

و به زنان مؤمن بگو:

يَغُضُّنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ...

اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

توجه داشته باشیم که نگاه‌های آلوده اولین قدم برای ورود به مراحل دیگر زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. بنابراین، باید خود را از نگاه‌های آلوده حفظ کنیم و خود را در مسیری که دین تعیین کرده قرار دهیم. البته نگاه کردن زن و مرد برای ازدواج و انتخاب یکدیگر ابتدایی‌ترین مرحله است که باید انجام شود و از آن پس سایر مراحل، آن‌گونه که دین فرمان داده، طی می‌شود تا این که زن و مرد ازدواج می‌کنند و زندگی مشترک را آغاز می‌نمایند.

فعالیت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش است که خداوند آن را حلال کرده و بدان تشویق کرده است. اما ربا را حرام کرده و فرموده:

أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ

وَ حَرَّمَ الرِّبَا.

بقره، ۲۷۵

ربا فعالیت‌های اقتصادی سازنده را از بین می‌برد و افراد فقیر را فقیرتر و گرفتارتر می‌کند. با این که خرید و فروش حلال است، اما هر چیزی را نمی‌توان معامله کرد. خداوند متعال خرید و فروش چیزهایی را که زیان دارند حرام کرده است. به همین جهت خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، گوشت خوک و مانند آنها، حتی با غیرمسلمان هم حرام است؛ زیرا دین مبین اسلام به کرامت انسان‌ها احترام می‌گذارد و از هر وسیله‌ای برای حفظ کرامت آنها استفاده می‌کند.

خداوند متعال روزی‌های حلال موردنیاز ما را آفریده و در طبیعت قرار داده است. لازم است که هرکس با فعالیت و تلاش مثبت و سازنده برای رفع نیاز خود بکوشد و از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های طبیعت بهره‌مند شود، به ورزش و تفریح سالم بپردازد، به شهرها و سرزمین‌های دیگر مسافرت کند و از آن درس زندگی بگیرد و تجربه کسب کند. اما هیچ انسانی حق ندارد به حق دیگران تجاوز کند و مانع رشد و شکوفایی مادی و معنوی آن شود و انسان‌های دیگر را استثمار نماید.



در روابط اقتصادی مردم پیرامون خود تحقیق و تفکر کنید و روابط سالم اقتصادی و روابط ناسالم را مشخص نمایید.

تنبلی، سستی و نداشتن فعالیت اقتصادی مفید از خصایص افراد تن‌پرور و بی‌خاصیت است که به چیزی جز بهره‌کشی از دیگران فکر نمی‌کنند. اصولاً اراده‌قوی همیشه متعلق به کسانی است که زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند و از دسترنج خود بهره‌مند می‌شوند. البته در همین راه باید راه اعتدال و میانه را طی کرد و از توجه بیش از حد و افراط در کسب درآمد که فرد را به حرص و آز می‌کشاند، دوری کرد؛ زیرا چنین افراطی موجب متزلزل شدن روابط سالم، حتی در کانون گرم خانواده می‌شود.



- ۱- با بررسی درس اول کتاب بنویسید که با احکام اسلامی کدام یک از نیازهای ضروری انسان تأمین می‌گردد؟
- ۲- منابع اصیل احکام اسلام کدام‌اند؟ چرا باید احکام را از این منابع دریافت نمود؟
- ۳- مجتهد در فهم احکام اسلام باید به چه موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟ ارتباط هر یک از این موضوعات با فهم دقیق احکام را بنویسید.

آینده تاریخ

اعتقاد به «موعود» و «منجی» در ادیان الهی و به خصوص در اسلام یک اعتقاد عمیق و استوار است. این اعتقاد نشانه بینش درست ادیان الهی به تاریخ و سرنوشت انسان است و به همین جهت نیازمند بررسی و دقت نظر جدی است. در این درس می خواهیم بدانیم: این اعتقاد چه جایگاهی در اندیشه اسلامی دارد و چگونه زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می دهد؟

قرائت و ترجمه

..... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ

..... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

..... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

..... كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

قرار داد.

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

..... يَعْبُدُونَنِي

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

و می خواهیم منت نهم
بر کسانی که ناتوان شمرده شده اند در زمین

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

و نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً
و نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قصص، ۵

پس از ذکر (تورات)

و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ
مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ

انبیاء، ۱۵

که بر همه دین ها چیره گرداند

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ۳۳

كَرِهَ : نخواهد، اکراه داشته باشد

يَرِثُهَا : آن را به ارث می برد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، بر اساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش بینی شده است؟

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط بر اساس دین خدا اداره می‌شود. این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور

ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخر الزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید: منجی نهایی جهان حضرت عیسی است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱

در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

در روایات ما آمده است که در آخر الزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم (ص) ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های این موعود «مهدی» است. بسیاری از علما و محدثین ما در کتاب‌های حدیثی خود بابتی را به این موضوع اختصاص داده و بعضی نیز کتاب‌های مستقلی در این باب نوشته‌اند. آنان ذکر کرده‌اند که در آینده از خاندان پیامبر فردی متولد خواهد شد که هم‌نام ایشان است.^۲ او به امر خدا قیام خواهد کرد و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره نساء، آیه ۱۵۷).

۲- برخی از علما و دانشمندان که به این موضوع پرداخته‌اند و می‌توان به آثارشان مراجعه کرد، عبارت‌اند از: سعدالدین تفتازانی در کتاب شرح المقاصد، ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة، جلال‌الدین سیوطی در کتاب الحاوی للثاوی، علامه منادی صاحب فیض‌القدیر، علامه خیرالدین آلوسی در غالب‌المواعظ، شیخ محمد خضر حسین استاد دانشگاه الازهر در مجله تمدن اسلامی تحت عنوان نگرش بر روایات مربوط به مهدی، کتانی مالکی در کتاب نظم‌المتناثر من‌الحديث المتواتر، عدوی مصری در کتاب مشارق الانوار، احمد قرمانی دمشقی در کتاب اخبارالدول و آثارالاول و محی‌الدین عربی در الفتوحات‌المکیة.

پرسیده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد^۱.



پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنایند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی‌سازی (Globalisation) می‌نامند.

برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کنند؛ برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه تلویزیونی به راه

۱- شیعیان عقیده دارند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است و هم‌اکنون به اذن و قدرت الهی در غیبت بسر می‌برد.

انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند. آنچه در اینجا حائز اهمیت و نیازمند روشن بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. آنها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه آنها را دنباله‌رو خود سازند. در اینجا است که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

- ۱- با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.
- ۲- مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.
- ۳- توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.
- ۴- از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

با تأملی در عقاید اسلام این ویژگی‌ها را در دین اسلام می‌بینیم. با تشکیل حکومت جهانی اسلامی، آرمان والای جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و مصلحان و انسان‌دوستان برآورده می‌گردد.

بخش بزرگی از تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها، در کل جامعه بشری از حکومت‌های طاغوتی و از درون کاخ‌ها سرچشمه می‌گیرد و به‌دست این‌گونه دولت‌ها و حکومت‌ها گسترش می‌یابد. اغلب مردم در همه جوامع به خیر و نیکی گرایش دارند و نوع دوست و مهربان‌اند و این حکومت‌ها و قدرت‌های فاسد هستند که به کژی‌ها و بدی‌ها دامن می‌زنند و جوامع را به فساد می‌کشانند. آنان برای

جذب و جلب منافع بیشتر تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار توده‌های نجیب انسانی را به ناسازگاری و تخاصم وامی‌دارند و رویاروی هم قرار می‌دهند.

در دوران رهبری حضرت مهدی (ع) با ایجاد مدیریت واحد الهی و حاکمیت یگانه قانون اسلامی، عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم نابود می‌شود و انسان‌ها بدون ترس از فشارها برادر و مهربان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها جبران می‌گردد و امت واحد انسانی شکل می‌گیرد.

